

ارزیابی پژوهش آکادمیک فلسفه در ایران در مقایسه با جهان

(ویراست دوم)



امیر صائمی *

۱. مقدمه

در ارزیابی جامع وضعیت دانشگاهی فلسفه در ایران باید به همه این موارد (و برخی دیگر که در فهرست بالا از قلم افتاده است) پرداخت. آشکار است که اجرای چنین پروژه بزرگی به آسانی امکان پذیر نیست، و نیازمند در اختیار داشتن داده‌های آماری کافی و نیز معیارهای مناسبی برای تحلیل داده‌ها است. در اینجا، هدف من صرفاً آن است که تصویری کلی از بخشی از این پروژه به دست دهم. در این پژوهش تنها این پرسش را مد نظر قرار می‌دهم که در دانشگاه‌های ایران وضعیت پژوهش آکادمیک درباره فلسفه غرب، با توجه به معیارهای استاندارد آکادمیک چگونه است. فلسفه غرب، آن‌گونه که من مراد می‌کنم، مشتمل است بر فلسفه تحلیلی (شامل متافیزیک، فلسفه اخلاق، معرفت‌شناسی، فلسفه ذهن و زبان)، فلسفه قاره‌ای، تاریخ فلسفه غرب و فلسفه علم^۱. با توجه به گزارش پیش رو، به روشنی می‌توان دید که جامعه دانشگاهی فلسفه در ایران دچار یک آسیب بسیار جدی است، که عبارت است از عدم انجام پژوهش آکادمیک متناسب با معیارهای جهانی در بدنه دانشگاهی کشور. اینکه وضعیت جامعه دانشگاهی فلسفه با توجه به معیارهای دیگر و در فعالیت‌های دیگری که بخشی از آن در بالا ذکر شد چگونه است، کاملاً خارج از محدوده و هدف این نوشتار است. سنجش کیفیت پژوهش در یک رشته را معمولاً باید متخصصان همان رشته انجام دهند. برای رسیدن به این هدف، مجلاتی که اصطلاحاً پیر ریویو^۱ فلسفه علم طبق استانداردهای جهانی بخشی از فلسفه تحلیلی به شمار می‌رود، اما در ایران، فلسفه علم به دلایلی، هویتی جداگانه یافته است. به همین دلیل در این تحقیق، فلسفه علم به صورت مستقل در نمودارها بررسی می‌شود.

چندی پیش خبردار شدم که در پی انتشار خبر اعطای مدال فیلدز به خانم مریم میرزاخانی، همکاران من در پژوهشکده ریاضیات پژوهشگاه دانش‌های بنیادی دست به انجام تحقیقی درباره وضعیت پژوهشی ریاضی در ایران زده‌اند. هدف این تحقیق، از جمله، بررسی این پرسش بوده که پیشرفت ریاضیات در ایران چه نسبتی با موفقیت چشمگیر یک ایرانی خارج از کشور دارد. همان موقع به نظرم رسید که جای چنین پژوهشی درباره وضعیت آکادمیک فلسفه در ایران خالی است. اما بررسی وضع آکادمیک فلسفه در ایران کار دشواری است. بخشی از دشواری از آنجا ناشی می‌شود که فعالیت فلسفی، خصوصاً در ایران، بسیار ناهمگن است. در حقیقت، فعالیت‌های متفاوت و گوناگونی در فضای دانشگاهی فلسفه در ایران انجام می‌گیرد، که برخی از آنها عبارت‌اند از:

-- تدریس و آموزش فلسفه به دانشجویان،

-- فلسفه‌ورزی در فضای عمومی که طیف مخاطبانش وسیع‌تر از جامعه دانشگاهی فلسفه است و به تأمل درباره مسائل عمدتاً بومی می‌پردازد،

-- بسط و گسترش ایده‌های فلسفی از طریق ترجمه و نگارش متون

مقدماتی،

-- فلسفه‌ورزی در فضای سنت فلسفه اسلامی،

-- پژوهش آکادمیک درباره فلسفه غرب.

*. پژوهشکده فلسفه تحلیلی

گزارش سال ۲۰۱۱ ERIH که مبنای این تحقیق است در وبگاه NSD قابل دسترس است [۱].

در این پژوهش، از میان پنجاه مجله‌ای که مطابق گزارش ERIH دارای رتبه A هستند، ۲۵ مجله در صدر فهرست قرار می‌گیرند. این ۲۵ مجله، بر اساس نظرسنجی برایان لایتر (Brian Leiter) از فیلسوفان حرفه‌ای، برترین مجلات فلسفی به شمار می‌آیند. در پژوهش حاضر، از میان این ۲۵ مجله، به ۶ مجله نخست رتبه کیفی A**، و به ۱۹ مجله بعدی رتبه A* نسبت داده شده است. اکثر رده‌بندی‌های فلسفی در مورد ۲۵ مجله اول فلسفی همگرایی زیادی با فهرست لایتر دارند، و جز یکی دو اختلاف نام‌های یکسانی در فهرست‌های متفاوت به چشم می‌خورد. در مورد ۶ مجله اول فلسفی نیز تقریباً همه رده‌بندی‌ها همداستان هستند، اگرچه در ترتیب میان این ۶ مجله اختلافاتی وجود دارد (نگاه کنید به [۲ و ۳ و ۴]). به ۲۵ مجله‌ای که بر اساس گزارش ERIH دارای رتبه A هستند، ولی در فهرست لایتر حضور ندارند (یعنی ۲۵ تای دوم از رتبه A)، همان رتبه A نسبت داده شده است. همچنین رتبه‌های B و C مطابق گزارش ERIH منظور شده است.

در فهرست ERIH شماری مجله وجود دارند که ماهیت میان‌رشته‌ای دارند. برای مثال، در این فهرست شماری از مجلات منطق وجود دارند که عموماً ریاضی‌دانان در آن مجلات مقالات خود را منتشر می‌کنند (برخی از ریاضی‌دانان تراز اول ایران هم در این مجلات مقاله منتشر کرده‌اند). از آنجا که تحقیق حاضر درباره وضعیت فلسفه ایران است، مجلاتی که عمدتاً ماهیت ریاضی-منطقی دارند از فهرست مذکور حذف شده است. به دلیل مشابه، مجلاتی که پزشکان در آنها مقالات خود را (مثلاً درباره اخلاق پزشکی) منتشر می‌کنند از فهرست یادشده حذف شده است. از سوی دیگر، دو مجله مهم فلسفی بعد از سال ۲۰۱۲ شروع به انتشار کرده‌اند که طبعاً نامشان نمی‌توانسته در فهرست سال ۲۰۱۱ این نهاد ذکر شود. این دو مجله عبارت‌اند از "International Journal for the Study of Skepticism" به سردبیری دانکن پریچارد (Duncan Prichard) و مجله "Thought" به سردبیری کریسپین رایت (Crispin Wright). رایت فیلسوفی بسیار برجسته و استاد دانشگاه نیویورک (NYU) است که بنا بر گزارش PGR

۱. فهرست ۲۵ مجله برتر فلسفی که براساس نظرسنجی برایان لایتر تنظیم شده است: A**:

- 1) Noûs; 2) Ethics; 3) Mind; 4) Journal of Philosophy;
- 5) Philosophy and Phenomenological Research; 6) The Philosophical Review;

A*:

- 7) Philosophical Studies; 8) Australasian Journal of Philosophy;
- 9) Philosopher's Imprint; 10) Analysis; 11) Philosophical Quarterly; 12) Philosophy & Public Affairs; 13) Philosophy of Science;
- 14) British Journal for the Philosophy of Science; 15) Synthese; 16) Proceedings of the Aristotelian Society; 17) Erkenntnis;
- 18) American Philosophical Quarterly; 19) Canadian Journal of Philosophy;
- 20) Journal of the History of Philosophy; 21) Journal of Philosophical Logic;
- 22) Mind & Language; 23) Pacific Philosophical Quarterly; 24) European Journal of Philosophy;
- 25) British Journal for the History of Philosophy.

(peer review؛ داوری به وسیله هم‌تایان) خوانده می‌شوند، داوری مقالات را به عهده متخصصان آن رشته می‌سپارند. از این رو، یکی از قابل اعتمادترین معیارهای سنجش کیفیت آثار آکادمیک، انتشار آن آثار در نشریات پیر ریویو است. این معیار اکنون به معیاری جهانی در محیط آکادمیک تبدیل شده است. با این حال، با توجه به گستردگی مجلات پیر ریویو و کیفیت نازل برخی از آنها، به نظر می‌رسد صرف انتشار در مجلات پیر ریویو نیز نمی‌تواند معیار درستی برای ارزیابی کیفی پژوهش باشد. به همین دلیل، برخی مؤسسات معتبر بین‌المللی می‌کوشند تا با معیارهای گوناگونی مجلات پیر ریویو را رده‌بندی کنند. معیار انتشار در مجلات پیر ریویو با کیفیت شاخص مناسبی به دست می‌دهد تا بتوانیم درباره وضعیت پژوهشی فلسفه در ایران داوری کنیم، و آن را به طور کمی با دیگر کشورها بسنجیم. البته گفتنی است که جز انتشار در مجلات پیر ریویو با کیفیت، می‌توان برای علم‌سنجی از معیارهای دیگری همانند انتشار کتاب‌های با کیفیت دانشگاهی که توسط متخصصان همان رشته داوری شده است، بهره گرفت. با این حال، به علت برخی محدودیت‌ها که در بخش بعد توضیح داده می‌شود، در این گزارش تنها به معیار انتشار در مجلات پیر ریویو با کیفیت می‌پردازیم. به نظر می‌سد که بررسی وضعیت پژوهش آکادمیک فلسفه در ایران با همین یک معیار هم می‌تواند تصویری کلی از وضعیت پژوهش آکادمیک ایران در فلسفه غرب به دست دهد، و جایگاه پژوهش فلسفه در ایران را در مقایسه با منطقه و جهان مشخص کند.

۲. روش تحقیق

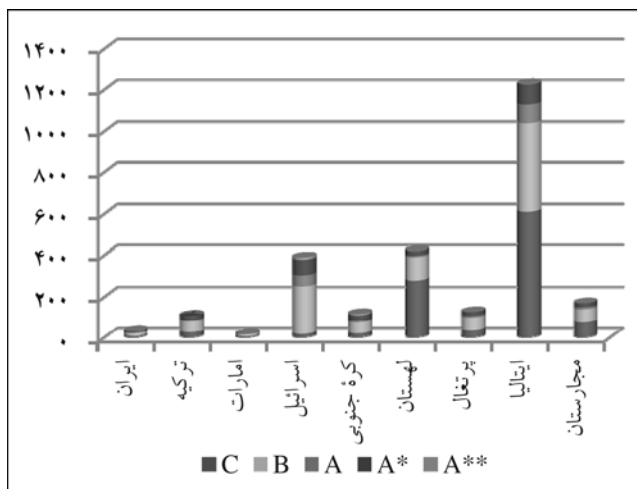
قدم اول برای انجام این ارزیابی، مشخص کردن مجلات پیر ریویو با کیفیت است. تخمین کیفیت مجلات علمی مسئله بسیار دشواری است که جواب ساده‌ای ندارد. موسسه‌هایی متفاوت با معیارهایی گوناگون به ارزیابی مجلات پیر ریویو می‌پردازند. برای مثال، گاهی برای ارزیابی این مجلات معیارهایی کمی مانند ضریب تاثیر (impact factor) به کار می‌روند. اما بسیاری از متخصصان فلسفه بر این عقیده‌اند که با توجه به میزان کم ارجاعات به مقالات فلسفی (در مقایسه با دیگر علوم به‌ویژه علوم مهندسی) معیارهای کمی برای ارزیابی مجلات فلسفی نمی‌توانند راهگشا باشند. از این رو، برخی مؤسسات و اشخاص به صورت کیفی به دسته‌بندی مجلات فلسفی پرداخته‌اند. در این گزارش، برای ارزیابی مجلات فلسفی، از ارزیابی کیفی ERIH (European Reference Index for the Humanities) که توسط بنیاد اروپایی علوم (European Science Foundation) انجام گرفته است استفاده می‌شود. ESF در دو نوبت در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ حدود ۳۰۰ مجله فلسفی (انگلیسی‌زبان، فرانسوی‌زبان و آلمانی‌زبان) را به صورت کیفی ارزیابی کرده است و آنها را در یکی از سه رده A، B، و C قرار داده است. حدود ۵۰ مجله در رده A، ۱۵۰ مجله در رده B، و ۱۴۰ مجله در رده C قرار دارند. ESF تهیه و نگهداری گزارش ERIH برای سال‌های پس از ۲۰۱۱ را به نهاد NSD (Norwegian Social Science Data Services) سپرده است. NSD هنوز گزارش تازه ERIH را منتشر نکرده است. اما

که این پژوهش با تمام کاستی‌های آن نوری بر وضعیت نابسامان پژوهش فلسفه در کشور بتابد، تا در پرتو آن بتوان به چاره‌اندیشی درباره وضعیت پژوهش فلسفه در کشور پرداخت.

۳. پژوهش فلسفه در ایران و جهان

زبان بسیاری از مجلات فلسفی با کیفیت، انگلیسی است. از این رو، کشورهای انگلیسی زبان نسبت به کشورهای غیرانگلیسی زبان مزیتی قابل توجه دارند. از این رو، شاید، مقایسه وضعیت پژوهش فلسفه در ایران با کشورهای انگلیسی زبان تصویر نادرست و غیرمنصفانه‌ای از وضعیت ایران به دست دهد. لذا، برای به دست آوردن تصویری واقع‌بینانه‌تر، در این ارزیابی وضعیت پژوهش آکادمیک فلسفه در ایران با کشورهای غیرانگلیسی زبان مقایسه شده است. در میان کشورهای غیرانگلیسی زبان، در خاورمیانه کشورهای ترکیه و اسرائیل که از نظر بافت اقتصادی و جامعه‌شناسانه شباهت‌هایی با ایران دارند انتخاب شده‌اند. به دلیلی مشابه، در آسیای شرقی کشور کره جنوبی و در اروپای شرقی مجارستان و لهستان انتخاب شده‌اند. در میان کشورهای اروپای غربی، ایتالیا و پرتغال که اولی از حیث جمعیت کشوری قابل مقایسه با ایران، و دومی کشوری بسیار کوچک‌تر از ایران است انتخاب شده‌اند. در نهایت، مقایسه وضعیت ایران با کشور همسایه، امارات متحده، که کشوری بسیار کوچک و رو به پیشرفت است آموزنده خواهد بود. در نمودار ۱ وضعیت پژوهش در ایران و کشورهای مذکور در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۴ مقایسه می‌شود. در نمودار ۲، پژوهش در ایران با سه کشور یادشده در خاورمیانه (یعنی ترکیه، امارات و اسرائیل) در همین بازه مقایسه می‌شود.

همچنان‌که در نمودار ۲ پیداست، اسرائیل و ترکیه فاصله‌ای قابل توجه با ایران دارند. وضعیت پژوهش فلسفه در ایران تنها با امارات متحده قابل مقایسه است. البته اگر این نکته را لحاظ کنیم که جمعیت ایران بیش از ۸ برابر جمعیت امارات متحده است، به این نتیجه می‌رسیم که وضعیت پژوهش در



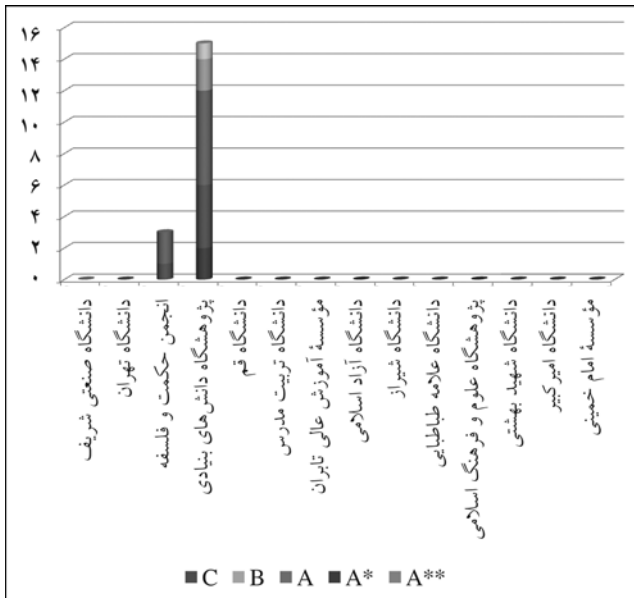
نمودار ۱. وضعیت پژوهش فلسفه در ایران در مقایسه با چند کشور غیرانگلیسی زبان در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴

(رده‌بندی کیفی دپارتمان‌های فلسفه دانشگاه‌های آمریکا شمالی) بهترین دپارتمان فلسفه در جهان است. پریچارد نیز یکی از مطرح‌ترین معرفت‌شناسان جهان است. به اعتبار سردبیران این دو مجله، در این تحقیق به این دو مجله رتبه کیفی B نسبت داده شده است. لازم به ذکر است که نگارنده هیچ مجله تازه تاسیس فلسفی دیگری نیافت که بعد از سال ۲۰۱۱ منتشر شده باشد و در آن مقاله‌ای از سوی مؤسسات ایرانی باشد و با معیار سردبیر (یا دیگر معیارهای معقول) بتوان آن را در میان ۲۰۰ مجله با کیفیت فلسفی قرار داد.

دشواری مهم دیگر این تحقیق آن بود که باید امکان جستجوی مقالات فلسفی بر حسب کشوری که مؤلف در آن مشغول به فعالیت آکادمیک است (یا به دانشگاه آن کشور وابستگی آکادمیک دارد) فراهم باشد. در میان پایگاه‌هایی که برای جستجوی مقالات فلسفی به کار می‌آیند (شامل Science، Scopus) تنها در دو پایگاه Web of Science و Scopus امکان جستجوی مقالات بر حسب کشور وجود دارد. با توجه به گستردگی انعطاف‌پذیری بیشتر پایگاه Scopus نسبت به Web of Science، این پایگاه برای جمع‌آوری داده انتخاب شد. البته باید توجه داشت که پایگاه Scopus هرچند یکی از گسترده‌ترین پایگاه‌های موجود برای مقالات دانشگاهی است، هنوز در مورد مقالات فلسفی پایگاهی نوپاست و نمی‌توان آن را پایگاهی کامل دانست. از یک سو، برخی از مجلات فلسفی مهم در این پایگاه وجود ندارند و از سوی دیگر، آرشيو مقالات مجلاتی که عضو پایگاه هستند کامل نیست. کامل نبودن آرشيو زمانی بیشتر آشکار می‌شود که از پنج سال بیشتر عقب می‌رویم. همچنین این پایگاه نسبت به مجلات رده C کاستی بیشتری نسبت به مجلات رده A دارد. به علت برخی محدودیت‌های پایگاه برای یافتن مقالات پژوهشگران ایرانی، نگارنده علاوه بر استفاده از داده‌های پایگاه از پژوهشی میدانی نیز بهره گرفته است.^۱ این البته باعث بوجود آمدن نوعی سوگیری مثبت برای ایران در مقایسه با دیگر کشورهاست. با وجود این سوگیری مثبت نیز، چنانچه خواهیم دید وضعیت پژوهشی ایران در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه و جهان در وضع نامناسبی است.

از محدودیت‌های دیگر این ارزیابی آن است که به دلیل برخی محدودیت‌های پایگاه Scopus در جستجوی کتاب، این ارزیابی شامل کتاب و یا فصل‌های کتاب منتشر شده در زبان‌های غیرفارسی نیست. در نتیجه، به هیچ عنوان مدعی کامل و بی‌نقص بودن این ارزیابی نیستیم. با این حال، به نظر می‌رسد کاستی‌ها و محدودیت‌های پایگاه Scopus، سوگیری ناموجهی در نتایج ارزیابی پدید نمی‌آورد. برای مثال، دلیلی ندارد که گمان کنیم با به حساب آوردن کتاب‌های با کیفیت منتشر شده در سطح بین‌المللی، نتایج ارزیابی حاضر به کلی متفاوت شود. از این رو، امید می‌رود

۱. ممکن است برخی مقالات از محققان ایرانی وجود داشته باشد که از قلم افتاده باشند. نگارنده از هرگونه اطلاعاتی در این باره که بتواند باعث بهبود ویرایش‌های دیگر این گزارش شود استقبال می‌کند. فهرست مقالات پژوهشگران مشغول به کار در مؤسسات ایرانی در سایت شخصی نویسنده موجود است و مقالات تازه در آنجا قابل اضافه‌شدن است.



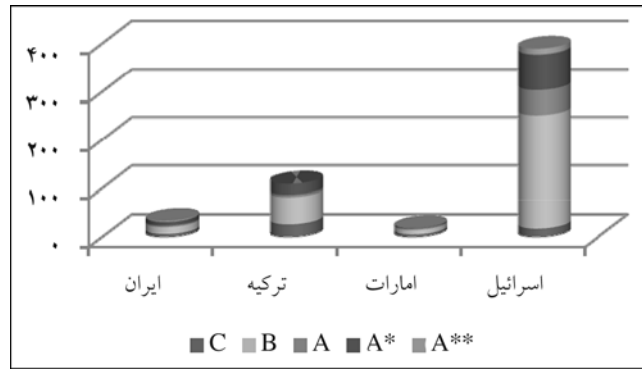
نمودار ۴. وضعیت انتشار مقالات فلسفی نهادهای پژوهشی کشور در ۱۹۹۴- تاکنون

Topoi یک شماره را با سردبیری مهمان محمد لگنهان، به انتشار مقالات محققان ایرانی درباره فلسفه اسلامی اختصاص داد. اگرچه قرار نیست که ارزیابی حاضر به آثار مرتبط با فلسفه اسلامی بپردازد، اما با توجه به اینکه Topoi یک مجله تخصصی فلسفه غرب است و مخاطبانش نیز متخصصان فلسفه غرب هستند، این مقالات نیز در نمودار ۳ منظور شده‌اند.

براساس نمودار ۳، پژوهش در فلسفه غرب به شدت نامتوازن است، و بیشتر مقالات را یک مؤسسه به تنهایی (یعنی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی) منتشر کرده است.^۱ نمودار ۴، پژوهش در فلسفه غرب را در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌شود، این عدم توازن در ۲۰ سال اخیر پابرجا بوده است. با نظر به کشورهایی که پژوهش فلسفی در آنها رونق بیشتری دارد درمی‌یابیم که در آنها، اگرچه یک دانشگاه در پژوهش پیشرو است، دیگر دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی نیز نقشی قابل توجه در پژوهش دارند. هر اندازه کشوری در پژوهش پیشرفته‌تر باشد، توزیع پژوهش در میان نهادهای پژوهشی آن کشور متوازن‌تر و دارای میزان کمتری انحراف از معیار است. در نمودار ۵ سهم دانشگاه‌های مهم ترکیه و مجارستان در پژوهش فلسفه نشان داده شده است. همچنین، مقایسه نمودارهای ۳ و ۴ نشان می‌دهد که میزان فعالیت‌های پژوهشی در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی در ۱۰ سال اخیر دو برابر شده است. این پیشرفت را می‌توان معلول شکل‌گیری یک جامعه/حلقه فلسفی در این مؤسسه در ۱۰ سال اخیر دانست.

چگونگی توزیع رشته‌های فلسفی نیز نمایانگر نمونه مهم دیگری از عدم توازن در پژوهش فلسفی در ایران است. نمودار ۶ سهم موضوعات مختلف

۱. اگر دو مجله تازه‌منتشرشده Thought و Journal for the Study of Skepticism را لحاظ نکنیم و داده‌های خود را محدود به فهرست ERIH در سال ۲۰۱۱ کنیم، از تعداد مقالات پژوهشگاه دانش‌های بنیادی چهارم مقاله (حدود ۱۱ درصد تعداد مقالات این مؤسسه در نمودار) کاسته می‌شود.



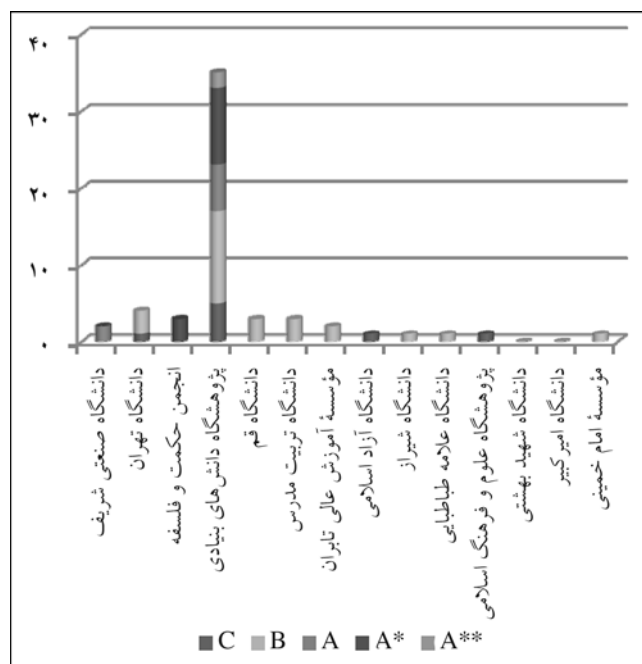
نمودار ۲. وضعیت پژوهش فلسفه در ایران در مقایسه با چند کشور خاورمیانه در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴

امارات، نسبت به جمعیت، در حد قابل توجهی از ایران بهتر است. البته باید به این نکته توجه داشت که انتشار مقالات فلسفی در امارات مرهون وجود یکی دو دانشگاه آمریکایی است که در آن کشور شعبه دارند. در مورد ترکیه هم قابل ذکر است که در دانشگاه‌های آن کشور جذب چند استاد خارجی در بهبود پژوهش فلسفی تاحدی مؤثر بوده است.

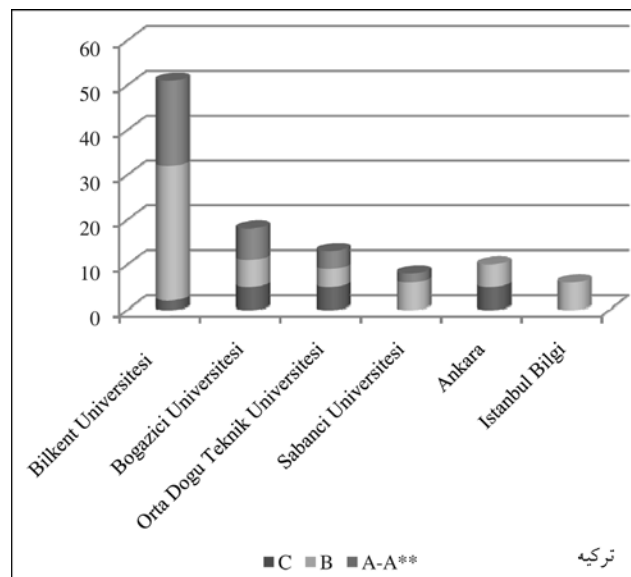
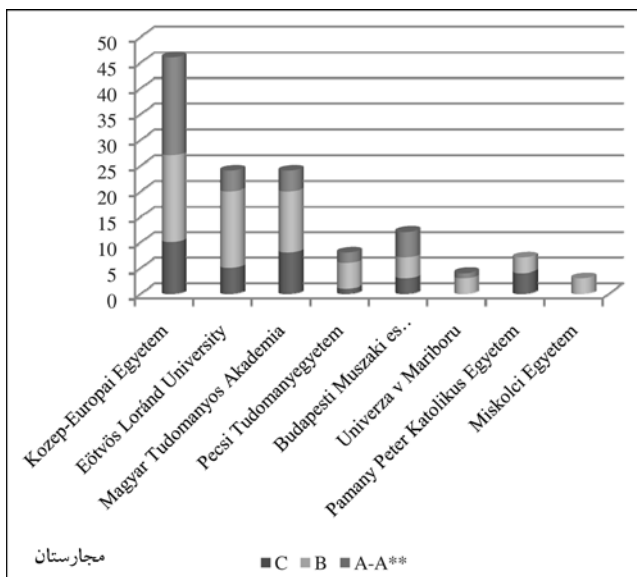
۴. وضعیت نامتوازن پژوهش فلسفه در ایران

به نظر می‌رسد اکثر قریب به اتفاق دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی در ایران، کارنامه قابل قبولی در پژوهش آکادمیک فلسفه، با معیار انتشار در مجلات با کیفیت، ندارند. نمودار ۳، وضعیت پژوهشی فلسفه را در دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی در ۱۰ سال اخیر نشان می‌دهد.

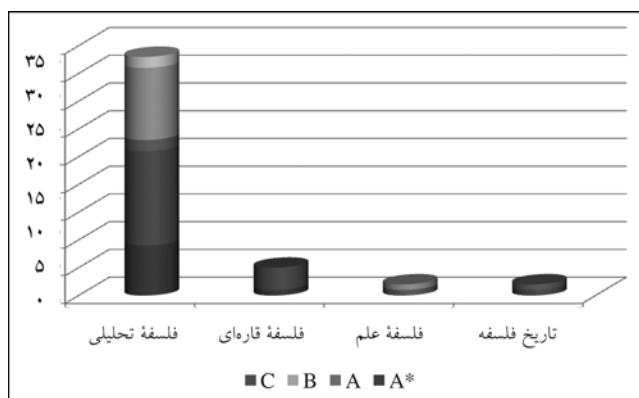
درباره نمودار ۳، این نکته نیز باید ذکر شود که در سال ۲۰۰۷، مجله



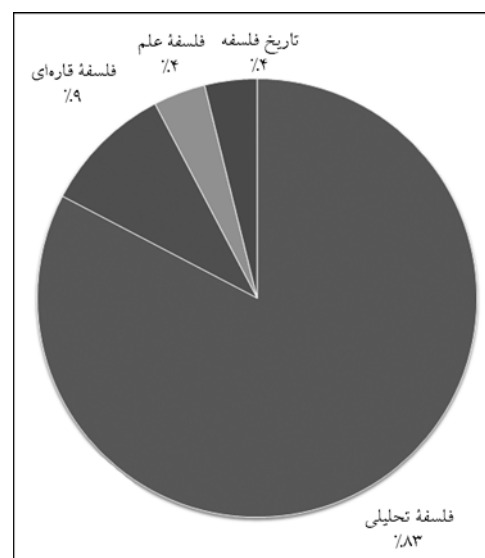
نمودار ۳. مقایسه وضعیت انتشار مقالات فلسفی در نهادهای پژوهشی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴



نمودار ۵. توزیع پژوهش در نهادهای پژوهشی ترکیه و مجارستان



نمودار ۶. توزیع پژوهش در شاخه‌های مختلف فلسفه غرب



در وضعیت بسیار مناسب‌تری از نظر پژوهشی باشد. از نظر پایگاه Scopus، ایران در رتبه ۱۷ جهان از حیث کمیت انتشار مقالات دانشگاهی است [۶]، بالاتر از سوئیس، ترکیه، اسرائیل، لهستان، مجارستان، پرتغال، اتریش و فنلاند. در نمودارهای ۷ و ۸ وضعیت فلسفه در ایران و چند کشور غیرانگلیسی زبان با وضعیت فیزیک و میانگین کل علوم مقایسه می‌شود (به دلیل تعداد پایین مقالات منتشر شده در فلسفه در سال‌های اخیر، و عدم رشد قابل توجه این تعداد در طول سالیان، برای کم شدن خطا در نمودار فلسفه، از میانگین انتشار مقالات فلسفی از سال ۲۰۰۸ تا کنون استفاده شده است).

با فرض اینکه بیشتر مقالات ثبت شده در پایگاه Scopus، دست کم از کیفیتی معادل با مقالات رده C در فلسفه برخوردارند، و با توجه به نمودارهای ۷ و ۸، ناگزیر به این نتیجه می‌رسیم که فلسفه وضع به مراتب نامناسب‌تری از

فلسفی در مقالات منتشر شده از سوی موسسات ایرانی را نشان می‌دهد. چنانچه در این نمودار پیداست، فلسفه تحلیلی در مقایسه با دیگر رشته‌ها سهم بسیار زیادی در پژوهش بین‌المللی با کیفیت در ایران دارد. اما اگر در نظر بگیریم که بخش عمده اعضای هیات علمی نهادهای دانشگاهی و پژوهشی در ایران به تحقیق در تاریخ فلسفه و فلسفه قاره‌ای مشغول‌اند، ناگزیر باید نتیجه گرفت که فلسفه قاره‌ای و تاریخ فلسفه، علی‌رغم توجه بسیار نهادهای دانشگاهی به این نوع فلسفه، در وضعیتی کاملاً بحرانی قرار دارند.

۵. مقایسه با دیگر علوم

در چند سال اخیر وضعیت پژوهشی ایران از روند رو به رشدی برخوردار بوده است، و به نظر می‌رسد که ایران امروز در مقایسه با پانزده سال پیش در مجموع

حیث کیفیت به سه رده تقسیم شده‌اند و مقالات رده سوم، مقالاتی هستند که از حداقل کیفیت قابل قبول برخوردارند. در نمودار ۹ به مقایسه وضعیت پژوهش ریاضی و فلسفه در ایران و ترکیه اختصاص دارد.

از نمودار ۹ چند نتیجه می‌توان گرفت. اول، در ریاضیات، بر خلاف فلسفه، وضعیت پژوهش با کیفیت در ایران و ترکیه کمابیش مشابه است. این نشان می‌دهد که وضعیت کلی فلسفی ایران بسیار نامناسب تر از وضعیت کلی ریاضیات است. دوم، وقتی به پژوهش رده A^* و A^{**} نظر می‌کنیم، پژوهش در این رده از نظر تعداد در فلسفه و ریاضیات تفاوت فاحشی ندارد. این نشانگر این است که جامعه کوچک نخبه فلسفی کشور همپا با جامعه کوچک نخبه ریاضی کشور است. اما وقتی به پژوهش رده‌های B و C می‌رسیم، فاصله جامعه ریاضی و فلسفی کشور بسیار زیاد می‌شود. در فلسفه در پنج شش سال، ۱۴ پژوهش رده B و ۶ پژوهش رده C انجام شده است. اما در ریاضیات در ۵ سال گذشته ۵۳۳ پژوهش رده B و ۹۵۵ پژوهش رده C صورت گرفته است. این به آن معنی است که میزان پژوهش رده C در ریاضیات ۱۶۰ برابر بیشتر و میزان پژوهش رده B حدود ۴۰ برابر بیشتر از فلسفه است، در حالی که نسبت اعضای هیات علمی در دو رشته بسیار کمتر از این مقدار است. این نتیجه ناگزیر است که بدنه جامعه ریاضی کشور به پژوهش متوسط و خوب مشغول است، اما بدنه جامعه فلسفی کشور چنین نیست.

۶. نتیجه‌گیری و چند توصیه

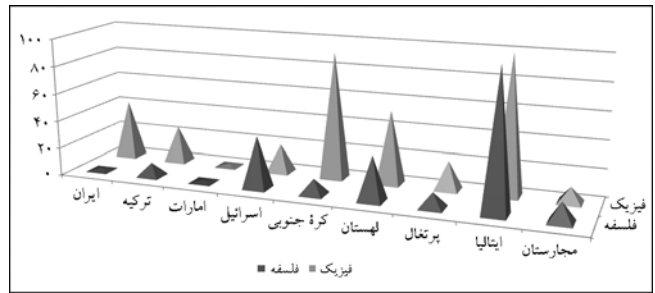
می‌توان از داده‌های ارائه شده این نتایج را به دست آورد:

(الف) در ایران، پژوهش آکادمیک در فلسفه غرب در حد بسیار نامناسبی نخبه‌گراست؛ به این معنی که بخش عمده‌ای از پژوهش را یک جامعه بسیار کوچک نخبه انجام می‌دهد. این موضوع سبب می‌شود که پژوهش فلسفی در ایران بسیار شکننده و آسیب‌پذیر باشد.

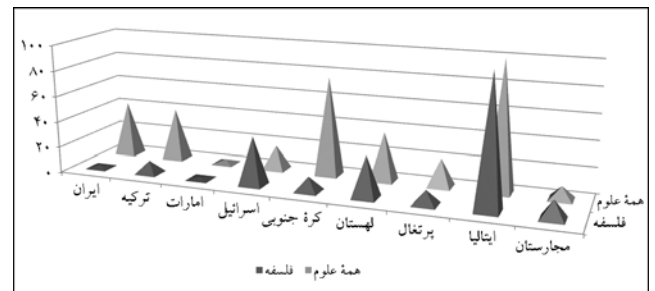
(ب) بدنه جامعه دانشگاهی در پژوهش آکادمیک در فلسفه غرب نقشی ندارد، برخلاف دیگر علوم در ایران که بدنه دانشگاه لاقبل به پژوهش رده C مشغول است، بدنه جامعه فلسفی کشور به پژوهش رده C نمی‌پردازد. در دیگر رشته‌های علمی، آنچه مایه نگرانی است آفت کمیت‌گرایی و غفلت از کیفیت است. اما در فلسفه حتی از نظر کمی نیز وضعیت بحرانی است (با این فرض که مقالات رده C را حداقل مقالات قابل قبول بدانیم).

(ج) مقایسه خروجی پژوهشی رشته‌ها و موضوعات مختلف فلسفی در ایران نشان می‌دهد که امکانات به صورت نامتناسبی بین این رشته‌ها و موضوعات توزیع شده است.

(د) برخلاف جریان رشد علمی کشور، در فلسفه خبری از رشد پژوهشی نیست. وضعیت پژوهشی آکادمیک در فلسفه کم و بیش قابل مقایسه با امارات متحده است، در حالی که فاصله علمی ما در متوسط علوم با امارات قابل مقایسه نیست (رتبه میانگین علوم ایران ۱۷ و رتبه میانگین علوم امارات ۵۹ است).



نمودار ۷. مقایسه وضعیت پژوهش در فیزیک بر مبنای کمیت مقالات منتشر شده در سال ۲۰۱۳، با وضعیت پژوهش در فلسفه بر مبنای میانگین مقالات منتشر شده در یکی از رده‌های A تا C از سال ۲۰۰۸ به بعد

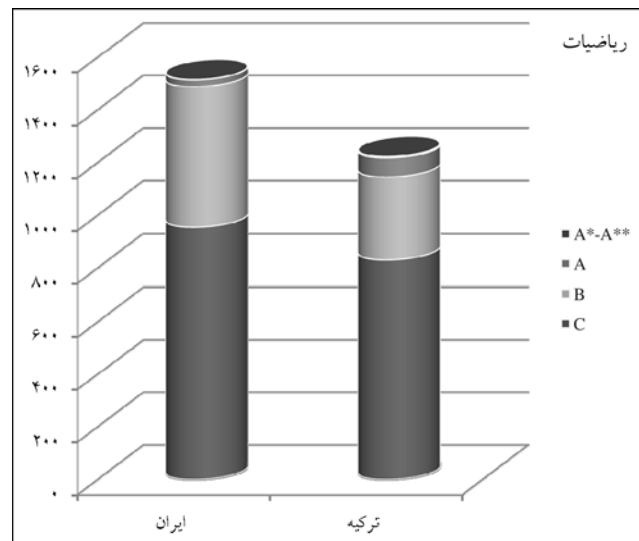
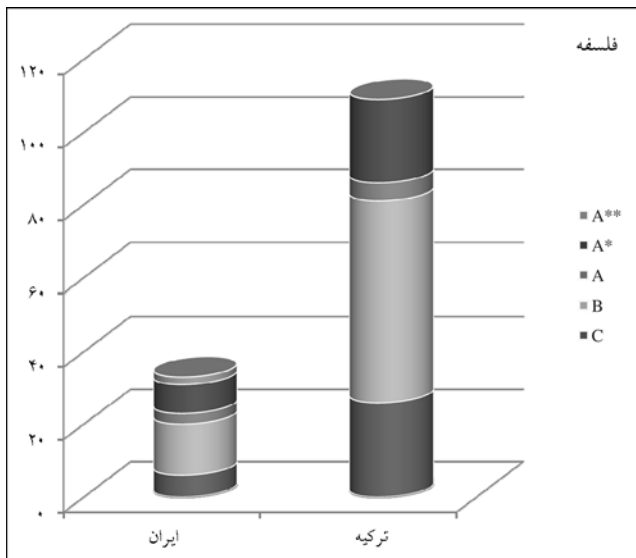


نمودار ۸. مقایسه وضعیت پژوهش میانگین همه علوم بر مبنای کمیت مقالات منتشر شده در سال ۲۰۱۳، با وضعیت پژوهش فلسفه بر مبنای میانگین مقالات منتشر شده در یکی از رده‌های A تا C از سال ۲۰۰۸ به بعد

فیزیک و میانگین دیگر علوم دارد. به عبارت دیگر، فلسفه از جمله رشته‌هایی است که نشانی از پیشرفت‌های اخیر علمی ایران در آن نمی‌توان سراغ گرفت.

برخی محققان بر این گمان‌اند که سنجش علم بر مبنای کمیت مقالات معیار مناسبی برای ارزیابی پیشرفت علمی نیست، و علم‌سنجی باید بر مبنای انتشار مقالات با کیفیت انجام گیرد. چنانکه در مقدمه گفته شد، در بسیاری علوم، میزان ارجاعات به یک مقاله معیاری برای سنجش کیفیت مقالات به دست می‌دهد. اما با توجه به میزان ارجاعات کم در فلسفه، مبنای قرار دادن این معیار برای سنجش کیفیت مقالات مناسب به نظر نمی‌رسد (به همین دلیل در این ارزیابی، سنجش کیفیت یک مقاله بر مبنای کیفیت مجله‌ای که در آن مقاله منتشر شده است صورت گرفته است). از این نظر، وضعیت ریاضیات با فلسفه مشابه است، به این ترتیب که در ریاضیات هم می‌توان به شیوه قابل قبولی کیفیت مقاله را بر مبنای مجله انتشاردهنده مقاله ارزیابی کرد. همچنین، در میان علوم پایه، شاید بتوان گفت که ریاضیات به دلیل انتزاعی و غیرتجربی بودن بیشترین شباهت را با فلسفه دارد. به این دو دلیل، مقایسه وضعیت پژوهش در فلسفه با وضعیت پژوهش در ریاضیات می‌تواند نکته آموز باشد.

چنانکه در مقدمه گفتیم، به تازگی شماری از اعضای هیات علمی پژوهشکده ریاضیات در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، تحقیقی را درباره وضعیت پژوهش ریاضیات در ایران انجام داده‌اند. نتایج این ارزیابی به زودی منتشر می‌شود. مشابه با ارزیابی پیش‌رو، در ارزیابی ریاضی نیز مقالات از



نمودار ۹. مقایسه وضعیت پژوهش در ایران و ترکیه در ریاضیات (۲۰۰۸-۲۰۱۲) و فلسفه (۲۰۰۸-۲۰۱۴).

مشکل مربوطه داشته باشند. از همین رو، چه بسا بتوان از برخی متخصصان رشته‌های دیگر که در زمینه ارتقای سطح علمی کشور تجربه دارند بهره‌گرفت. مناسب است در پایان یادآوری کنم که نتایج بالا تنها به پژوهش آکادمیک در فلسفه غرب اختصاص دارد. هم از این رو، توصیه‌های بالا تنها با هدف ارتقای وضعیت پژوهشی در این حوزه طراحی شده‌اند. اما چنانکه در مقدمه گفتیم، جامعه دانشگاهی فلسفه در ایران به فعالیت‌های متعدد دیگری نیز مشغول است. امید دارم که دیگر متخصصان فن به ارزیابی عینی آن فعالیت‌ها همت بگذارند، تا تصویری که از آکادمی فلسفه ایران در این نوشته آمده است کامل‌تر شود. تنها در این صورت است که جامعه دانشگاهی می‌تواند با آگاهی فراگیرتری از کاستی‌ها، در جهت رفع آن بکوشد.

مراجع

- 1 ERIH
<https://dbh.nsd.uib.no/publiseringskanaler/erih/search>
Form?discipline=Philosophy&cat2007=A11&cat2011=A11
- 2 Brian Leiter's Ranking
<http://leiterreports.typepad.com/blog/2013/07/top-philosophy-journals-without-regard-to-area.html>
- 3 Brooks' ranking
<http://the-brooks-blog.blogspot.nl/2011/01/top-philosophy-journals-initial-results.html>
- 4 Kate Devitt's Ranking
<http://mnemosynosis.livejournal.com/31062.html>
- 5 Brian Weatherston's Ranking
<http://brian.weatherston.org/journals/Journals-Survey.htm>
- 6 برای گزارشات علم‌سنجی بر مبنای پایگاه Scopus به این وبسایت مراجعه کنید.
<http://www.scimagojr.com/countryrank.php>

شایان ذکر است که این نتایج بر اساس معیار انتشار در مجلات به دست آمده است. البته میزان پژوهش در ایران را می‌توان با انتشار کتاب‌های با کیفیت هم سنجید با این حال، بعید می‌دانم که احتساب کتاب‌های منتشر شده با کیفیت، تصویر کلی فضای فلسفی ایران را که در این گزارش آمده است تغییر دهد. با توجه به این واقعیات، به عنوان نخستین قدم برای جبران عقب‌ماندگی علمی کشور در پژوهش فلسفی آکادمیک، اقدامات زیر توصیه می‌شود.

۱. جامعه نخبه کشور باید گسترش پیدا کند. این مهم می‌تواند از این طریق انجام گیرد: جذب ایرانیان تحصیل‌کرده در غرب؛ جذب فلاسفه غیرایرانی به دانشگاه‌های ایران؛ فراهم آوردن تمهیدات لازم برای جلوگیری از خروج نخبگان فعلی، تربیت هدف‌مند نخبگان برای آینده.

۲. بدنه دانشگاهی باید به پژوهش آکادمیک ترغیب شود. برای رسیدن به این هدف می‌توان در استخدام و ارتقای اعضای هیات علمی به انتشار مقالات در مجلات با رده کیفی لااقل C توجه کرد.

۳. شاید دلیل عدم انجام پژوهش در دانشگاه‌ها، عدم توازن میان وظایف آموزشی و پژوهشی باشد. در دانشگاه‌ها باید به استادان فرصت و زمان بیشتری برای فعالیت‌های پژوهشی داد.

۴. ارزش‌گذاری مجلات فلسفی براساس ارزش‌گذاری کیفی جامعه دانشگاهی جهانی فلسفه (مثلاً فهرست ERIH) انجام گیرد.

۵. بدنه دانشگاهی در حوزه فلسفه غرب نیازمند ترمیم است. ترمیم زمانی صورت می‌گیرد که بدنه دانشگاهی کشور به ضعف علمی خود آگاهی یابد. با توجه به عدم رشد و پویایی بدنه دانشگاهی کشور در طول سالیان، انتظار خود ترمیمی شاید موجه نباشد. تشکیل کمیته‌ای در سطح بالاتر برای چاره‌اندیشی درباره مسئله مفید به نظر می‌رسد. بدیهی است که شورا و کمیته‌هایی که برای حل مشکل تشکیل می‌شوند باید آگاهی کاملی درباره